

Political studies of the new Islamic civilization
Vol. 3/ No. 6/ Autumn 2023 & winter 2024

**Typology and Requirements of the Elite Society and its Role in the Realization of
Modern Islamic Civilization (Based on the Statements of Ayatollah Khamenei)**

Received: 2024/02/14

Accepted: 2024/03/15

Mohammad Mohammadifar*

Mohammad Hossein Molavi**

(7-30)

The realization of the modern Islamic civilization as the most ideal goal of the Islamic system has forced the researchers of civilization to play a part by planning and expanding the research about this process by using the information they have. On this basis, it is necessary to direct civilizational studies in the direction that has the most results. The role of "elite society" in the future of Islamic civilization as one of the most important accelerators in the process of civilizational developments and movements is not as clear as it should be, and it has been neglected to some extent, and no extensive research was found in this field despite the author's searches. On the other hand, we know very well that the Supreme Leader of the Revolution, as one of those who are concerned about the future of Islamic civilization, has made various elites the focus of his narrow-minded statements in many occasions and has raised some issues as elites' needs. Therefore, while emphasizing the typology of elites and their ranking, this article tries to answer this main question with the method of content analysis: based on the statements of the supreme leader of the revolution, what requirements does the elite society face on the way to the realization of the new Islamic civilization? The case studies show nine elements that the elite society must align with in order to achieve the aforementioned goal. Meanwhile, the role of "political elites" is more prominent than other types of elites.

Keywords: Elite Society, Elite Requirements, Elite Typology, New Islamic Civilization.

* PhD in Islamic History and Civilization, University of Islamic Studies, Qom, Iran (corresponding author),
m.mohammadifar23@yahoo.com.

** Ph.D. student of Quran and Sciences majoring in Psychology, Quran and Hadith Higher Education Complex,
Al-Mustafa Society, Qom, Iran, mhmolavi5167@gmail.com.



الزامات جامعه نخبگانی در تحقق تمدن نوین اسلامی (بر پایه بیانات رهبر معظم انقلاب دامت برکات)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

محمد محمدی فر*
محمدحسین مولوی**
(۷-۳۰)

چکیده

تحقق تمدن نوین اسلامی - به عنوان آرمانی ترین هدف نظام اسلامی - پژوهشگران تمدن پژوه را واداشته تا هریک به فراخور معلوماتی که دارند با طرح و بسط تحقیقات پیرامون این فرایند، سهمی ایفا کنند. بر این پایه، جهت‌دهی مطالعات تمدنی به سمت‌وسویی که بیشترین راه‌آورد را داشته باشد، امری ضروری است. نقش «جامعه نخبگانی» در آینده تمدنی اسلام - به عنوان یکی از مهم‌ترین پیشران‌های شتاب‌بخش در روند تحولات و حرکت‌های تمدنی - آن گونه که باید روشن نیست و پرداختن به آن تا حدودی مغفول مانده و به رغم جست‌وجوهای نگارندگان، پژوهشی مبسوط در این زمینه یافت نشد. از سوی دیگر، نیک می‌دانیم که رهبر معظم انقلاب به عنوان یکی از دغدغه‌مندان آئینه تمدن اسلامی، در بسیاری از مناسبات، نخبگان را محور بیانات باریک‌اندیشانه خویش قرار داده و مواردی را در قالب بایسته‌های نخبگانی مطرح ساخته‌اند. از این رو، نوشته پیش‌رو ضمن تأکید بر گونه‌شناسی نخبگانی، می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش اصلی پاسخ دهد که: بر پایه بیانات رهبر معظم انقلاب جامعه نخبگانی با چه الزاماتی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی روبه‌روست؟ موردکاوی‌ها نشان

* . دانش‌آموخته دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)،

m.mohammadifar23@yahoo.com

** . دانشجوی دکتری قرآن و علوم گرایش روانشناسی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی، قم،

ایران، mhmolavi5167@gmail.com

می‌دهد ارتقای معنویت، شتاببخشی به حرکت علمی، استقلال فکری، وحدت‌افزایی، دشمن‌شناسی، بصیرت‌افزایی، الگوسازی، ایجاد گفتمان آزاداندیشی و ترویج فرهنگ قانون‌مداری عناصری نُه‌گانه هستند که برای تحقق هدف یادشده، جامعه نخبگانی ملزم به همسویی با آنهاست. در این میان، نقش «نخبگان سیاسی» از دیگر گونه‌های نخبگانی برجسته‌تر است.

واژگان کلیدی: جامعه نخبگانی، الزامات نخبگانی، گونه‌شناسی نخبگانی، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

طرح نظریه «تمدن نوین اسلامی» از سوی رهبر معظم انقلاب، بستری برای نگارش پژوهش‌های بسیار در این عرصه پدید آورده است. در این میان، جامعه نخبگان - به‌عنوان بنیادی‌ترین پایه‌های علمی و فکری که نقشی شتاب‌بخش در حرکات تکاملی اجتماعی و در نتیجه پدیداری تمدن نوین اسلامی دارند - مورد توجه ویژه معظم‌له قرار گرفته است. از این رو، اصطلاح نخبگان و مباحث مرتبط با آن از برجستگی خاصی در بیانات ایشان برخوردار است. یکی از اساسی‌ترین این محورها، باید‌ها و نبایدهایی است که جامعه نخبگانی با آن روبه‌روست. این بایسته‌ها که در شکل‌دهی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بسیار حائز اهمیت است و توجه به آنها یک ضرورت تمدنی به‌شمار می‌رود اساس این مقاله را تحت عنوان «الزامات جامعه نخبگانی» پدید آورده است.

بنابراینچه گفته آمد، پژوهش پیش‌رو با محوریت وظایف تمدنی نخبگان شکل گرفته و می‌کوشد با روش توصیفی-تحلیلی براساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب، باید‌ها و نبایدهای کنشگری نخبگان را در چهارچوب «تمدن نوین اسلامی» به‌عنوان مهم‌ترین آرمان نظام اسلامی (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۶/۱۴) تبیین کند. بنابراین، مسئله این مقاله آن است که «از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، الزامات جامعه نخبگانی در مسیر تمدن‌سازی کدام‌اند و آنها چه نقشی در تحقق تمدن نوین اسلامی دارند؟»

فرضیه پژوهش آن است که از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، نخبگان به‌عنوان پیشران‌های مهم تمدنی، نقشی اساسی در پیدایی تمدن نوین اسلامی دارند و در این میان، نقش نخبگان سیاسی بیش از دیگر ارکان جامعه نخبگانی است.

درباره پیشینه پژوهش نیز باید گفت: گرچه تحقیقات بسیاری با محوریت «تمدن نوین اسلامی» سامان یافته است، پژوهشی که به صورت مستقل مسئله پژوهش کنونی را کاویده باشد یافت نشد. با این حال، تحقیقاتی در میان آن‌ها وجود دارد که بخشی از عنوان یا درون‌مایه آن‌ها، نزدیک به مسئله کنونی است؛ اما به لحاظ محتوا و اهداف با این پژوهش تفاوت دارند. «خواص و لحظه‌های تاریخ‌ساز» یکی از این عناوین است. در کتاب مذکور با تکیه بر بیانات رهبر معظم انقلاب، نمونه‌های تاریخی جهت‌گیری و عمل خواص بررسی شده و به نمونه‌هایی از لغزش‌های خواص که در آستانه رحلت پیامبر ﷺ تا رخداد کربلا به وقوع پیوست، اشاره شده است. مقایسه پژوهش پیش‌رو با کتاب مذکور نشان می‌دهد که هیچ‌گونه اشتراک محتوایی میان آن‌ها برقرار نیست. «اهداف راهبردی نظام نخبگانی در اندیشه مقام معظم رهبری» نام مقاله‌ای است که هرچند در بخشی از عنوان بی‌شباهت با پژوهش کنونی نیست، تفاوت اساسی با این مقاله دارد. در مقاله مذکور سعی شده تا وظایف دستگاه‌ها در ارتباط با نخبگان سنجیده شود. از این‌رو، «شناسایی و هدایت نخبگان»، «پشتیبانی از نخبگان»، «تقویت اثرگذاری نخبگان»، «اصلاح و ارتقای انگیزه نخبگان»، «تکریم نخبگان» و «تعالی سازمانی» شش مفهومی است که به عنوان اهداف راهبردی نظام نخبگانی بررسی شده است. این در حالی است که هدف اصلی این پژوهش بررسی وظایف جامعه نخبگانی و نقش آن در تحقق تمدن نوین اسلامی است. «نخبگان در اندیشه راهبردی رهبر انقلاب اسلامی؛ چشم‌اندازی با تأکید بر نخبگان علوم انسانی تمدن‌ساز» مقاله‌ای دیگر است که در مقایسه با دو پژوهش پیشین، از شباهت بیشتری در عنوان با پژوهش پیش‌رو برخوردار است. با این حال، آن مقاله نیز همچون مقاله پیشین، با هدف بهره‌گیری بیشتر از نخبگان به تبیین وظایف دستگاه‌های گوناگون کشور در قبال نخبگان پرداخته است. فقط در بخش کوتاهی به گونه‌ای اجمالی به وظایف نخبگان نیز اشاره شده است که از تطبیق آن‌ها با محتوای پژوهش پیش‌رو روشن شد که پژوهشگر محترم، شاخص‌های دیگری غیر از عناصر موجود در پژوهش حاضر را بررسی کرده است.

شایان ذکر است که نوشته کنونی در صدد طرح موضوع به منظور بهره‌گیری بیشتر از نظرات

پژوهشگران در این زمینه است. از این رو، بدیهی است که این پژوهش را باید آغازی بر ضرورت‌شناسی این مسئله و ابعاد آن تلقی کرد که توسعه آن تحقیقات متعدد دیگری را می‌طلبد. نکته پایانی اینکه محدوده پژوهش و قلمرو زمانی آن، بیانات رهبر معظم انقلاب از سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۹ می‌باشد و در پژوهش پیش‌رو فقط در مواردی اندک - که نکته‌ای تکمیلی در برداشته - به مراجع و منابع غیر از بیانات معظم‌له مراجعه شده است. بنابراین، ارکان مقاله - همان‌گونه که از عنوان پیداست - بر پایه بیانات رهبر معظم انقلاب شکل گرفته و غالب استنادات مبتنی بر بیانات معظم‌له تنظیم شده است. مفاهیم اساسی، گونه‌شناسی نخبگانی و الزامات نخبگانی سه بخشی است که محتوای مقاله را سامان داده است.

۱. مفاهیم اساسی

۱-۱. نخبگان

در خصوص نخبگان تعاریف متعددی وجود دارد. موسکا،^۱ نخبگان را گروهی از طبقات اجتماعی معرفی می‌کند که قدرت را در جامعه به دست می‌گیرند و حرکت تاریخ از ایده‌های آن‌ها الگو می‌پذیرد (روشه، ۱۳۷۳: ۱۱۷). به گفته گی روشه،^۲ نخبگان افرادی هستند که به وسیله تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند یا به وسیله ایده‌ها، احساسات یا هیجاناتی که پدید می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه مؤثر واقع می‌شوند (همان: ۱۲۱). از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، نخبگی مفهومی چندلایه و ترکیبی دارد. به گفته ایشان، استعداد برجسته لایه اول نخبگی؛ همت عالی در بهره‌گیری از استعداد لایه دوم نخبگی؛ و حوصله و پیگیری لازم تا ثمر بخشی نهایی لایه سوم نخبگی به‌شمار می‌رود. ایشان معتقدند بسیاری افراد با آنکه لایه اول نخبگی یعنی ظرفیت ذهنی و استعداد را دارند، به سبب آنکه از لایه دیگر بی‌بهره‌اند، نمی‌توانند استعداد خود را به مرحله فعلیت برسانند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۷/۳۰).

نکته شایان ذکر دیگر اینکه در هر علمی ابعاد گوناگونی از مناسبات نخبگان مورد توجه

1. Mosca.

2. G. Rocher.

قرار می‌گیرد؛ چنان‌که علم جامعه‌شناسی به تأثیر و تأثرات میان نخبگان و عوامل اجتماعی می‌پردازد؛ در علوم سیاسی، تعامل میان نخبگان و ارکان حکومتی بررسی می‌شود؛ علم مدیریت نخبگان را به‌مثابه سرمایه‌انسانی ممتاز برای سازمان‌ها مطالعه می‌کند و در علم روان‌شناسی، ویژگی‌های شخصیتی و فردی نخبگان مانند هوش آنان مورد بحث قرار می‌گیرد (عرفان‌منش، ۱۴۰۰: ۴۶۶).

باین‌همه، باید اذعان کرد که این اصطلاح با نگاهی تمدنی، ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند. در واقع، نخبگان در چهارچوب تمدنی یک شبکه به‌شمار می‌روند که در سطوح گوناگون نقش‌آفرینی می‌کنند. از این‌رو، جامعه‌نخبگانی ذیل دسته‌های کوچک‌تری طبقه‌بندی می‌شوند. برای نمونه، بُعد سیاسی نخبگی - که موجب تأثیرگذاری نخبگان در موضوعات حکومتی و امور سیاسی می‌شود - طبقه‌نخبگان سیاسی را پدید می‌آورد؛ یا نخبگان فکری، که بیش از دیگر گروه‌های نخبگانی، متکی به حوزه‌اندیشه‌ورزی و جنبه‌های فکری هستند. به گفته‌میلز^۱، این دسته از نخبگان به‌رغم آنکه اقتدار رسمی و حاکمیتی ندارند، بسیار صاحب‌نفوذ هستند (روشه، ۱۳۷۳: ۱۵۷). نخبگان علمی، نخبگان فرهنگی، نخبگان اجتماعی و... دیگر گروه‌های نخبگانی هستند که هر یک متغیرهای مختص به خود را دارند.

۲-۱. تمدن نوین اسلامی

«تمدن نوین اسلامی» اصطلاحی جدید است که پس از انقلاب اسلامی و ازسوی رهبر معظم انقلاب در ادبیات تمدنی مطرح شد و مورد توجه تمدن‌پژوهان قرار گرفت. از نگاه ایشان تمدن اسلامی در شکل جدید خود با نام تمدن نوین اسلامی شناخته می‌شود و به‌معنای «پیشرفت همه‌جانبه‌ای است که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها، بُعد معنوی و روحی آنان را به‌سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳). نوین بودن تمدن اسلامی، قرآنتی جدید از تمدن اسلامی را پیش می‌کشد که با طرح مسائلی نو و ارائه الگوهای جدید و کارآمد که با مقتضیات

زمانی و مکانی نیز سازگاری دارد به دنبال رفع نواقص و ضعف‌های تمدن پیشین اسلامی است (زمانی محبوب، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

۲. گونه‌شناسی نخبگانی

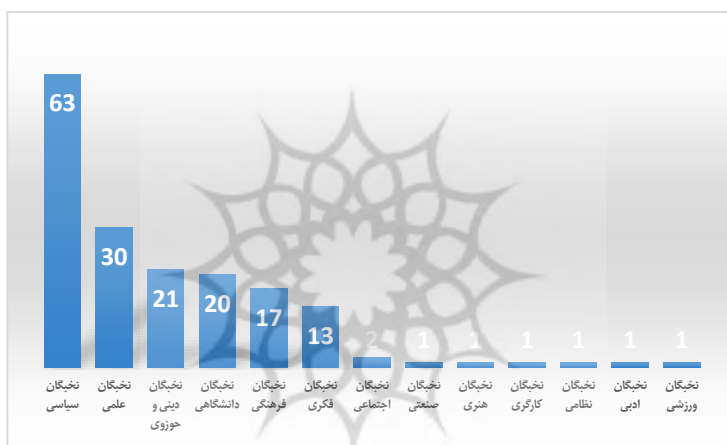
گونه‌شناسی بخش مهمی از پژوهش‌های علمی را به خود اختصاص داده که مقصود از آن «طبقه‌بندی رویدادها، کنش‌ها و اشیا به گروه‌های متمایز» (سفیری، ۱۳۷۸: ۲۰۱) است و با هدف «شناسایی مشابهت‌ها، الگومند ساختن آن (به این معنا که مشخص شود چند الگو به دست آمده و با چه تعبیری از آن یاد می‌شود) و مشخص کردن رابطه بین الگوها در میان گستره‌ای از تنوع‌ها و تفاوت‌ها براساس معیار و ملاکی یکسان و پذیرفته شده» (بلیکی، ۱۳۸۹: ۱۲) صورت می‌پذیرد.

گونه‌شناسی به طور معمول براساس یکی از شیوه‌های قیاسی یا استقرایی صورت می‌گیرد. در گونه‌شناسی به شیوه قیاسی، انواع گونه‌ها به لحاظ مفهومی و نظری در ذهن پروراند شده و پس از دستیابی به مدل، نمونه آماری در گونه‌های خاص قرار می‌گیرند؛ اما در گونه‌شناسی به شیوه استقرایی، ابتدا داده‌ها جمع‌آوری شده و سپس با روش‌ها و آزمون‌های آماری، گونه‌های مختلف ساخته می‌شوند.^۱ در این خصوص، برای گونه‌شناسی نخبگانی در بیانات رهبر معظم انقلاب از شیوه استقرایی بهره‌گیری شده است؛ به این معنا که با اشراف اولیه نسبت به بیانات معظم‌له، گروه‌های گوناگون نخبگانی گردآوری شد و پس از آمارگیری، نتایج به صورت نموداری به تصویر کشیده شد.

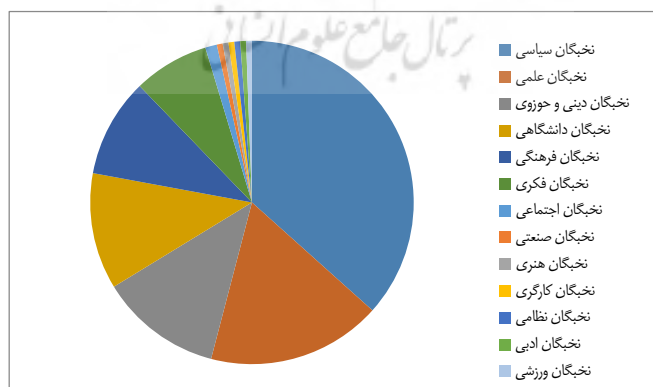
نتایج به دست آمده از داده‌های پژوهشی، آمار معناداری را نشان می‌دهد. به طور مشخص، نخبگان سیاسی با اختلاف چشمگیری نسبت به دیگر گروه‌های نخبگانی، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده که می‌تواند نمایانگر رویکرد سیاسی رهبر معظم انقلاب باشد. از این رو، به نظر می‌رسد رسالت «نخبگان سیاسی» فراتر از دیگر گروه‌های نخبگانی است و به مراتب مسئولیتی مضاعف برعهده دارند؛ چنان‌که مقایسه‌ای میان

۱. برای اطلاع از به کارگیری شیوه‌های یادشده در گونه‌شناسی، ر.ک. «بررسی انواع دین‌داری در بین دانشجویان دانشگاه تهران».

گروه‌های دیگر، ترتیب و اهمیت هرکدام را از دیدگاه ایشان نشان می‌دهد. در نمودار زیر گروه‌های گوناگون نخبگان برپایه هر سخنرانی به‌طور تفکیکی سنجیده شده است. براین اساس، اگر گروهی از نخبگان در یکی از بیانات چند بار تکرار شده، فقط یک امتیاز در آمارگیری به خود اختصاص داده است. برای مثال، نخبگان فرهنگی که عدد هفده را نشان می‌دهد، مفهومی این است که در هفده سخنرانی گوناگون، مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است. این معیار به‌سبب آن انتخاب شده تا از گزینش چندباره یک گروه نخبگانی در ضمن یک سخنرانی و تکرار بی مورد جلوگیری شود.



نمودار ۱: گونه‌های نخبگانی براساس آمار
(منبع: یافته‌های پژوهش)



نمودار ۲: گونه های نخبگانی براساس درصد
(منبع: یافته‌های پژوهش)

۳. الزامات نخبگانی

باتوجه به این نکته که هدف انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن نوین اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳)، نخبگان در مسیر این تمدن‌سازی جایگاهی ممتاز دارند؛ زیرا تمدن نوین اسلامی بر دو بخش استوار است: بخش ابزاری مانند علم، اختراع و... و مهم‌تر از آن، بخش حقیقی و اصلی که همان سبک زندگی است (همان) و درحقیقت نخبگان به سبب آنکه پیشران‌های فکری در جامعه به‌شمار می‌روند، در هر دو بخش مذکور نقش آفرین هستند. همین امر موجب شده طیف وسیعی از بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون بایدها و الزامات نخبگانی شکل بگیرد. از نگاه معظم‌له، نخبگان پیشوای حرکت امت اسلامی هستند و می‌توانند راه را به مردم نشان دهند (همان، ۱۳۸۵/۱/۲۷)؛ همان‌گونه که بی‌مسئولیتی نخبگان موجب می‌شود تا مسیر سعادت دنیای اسلامی حداقل ده‌ها سال دیگر از دسترس امت اسلامی دور شود (همان). ازاین‌رو، حرکت رهنمایانه نخبگان، و تصمیم‌گیری آن‌ها در همه دنیای اسلام، هر روز که تأخیر بیفتد به ضرر امت اسلامی خواهد بود (همان). دراین‌باره، رهبر معظم انقلاب قائل هستند: «نخبگان گاهی خطاهایشان اگر کم‌تر هم بیشتر نباشد، کیفاً بیشتر از خطاهای عامه مردم است» (همان، ۱۳۸۸/۵/۱۸)؛ لذا نخبگان در امتحان عظیمی قرار دارند (همان، ۱۳۸۸/۴/۲۹). بنابراین، اگر زبندگان و نخبگان... وظایف خودشان را درست انجام دهند، آینده دنیای اسلام، آینده مطلوبی خواهد بود (همان، ۱۳۹۲/۱۰/۲۹).

مطالعات نشان می‌دهد رهبر معظم انقلاب به‌رغم آنکه در موارد تخصصی، از هر گروه نخبگانی مطالبه‌ای خاص دارند، اما در سطح تمدنی، نقش مشترکی برای نخبگان قائل هستند. براین اساس، معظم‌له پابندی همه نخبگان به برخی عناصر را شرط الزامی در حرکت تمدنی برشمرده‌اند. اساساً تمدن نیز به‌لحاظ اینکه شبکه‌ای درهم‌تنیده است، علاوه بر وظایف اختصاصی نخبگان، نیازمند التزام جمعی آنان به برخی امور است که بی‌توجهی به آن موجب آسیب تمدنی می‌شود. بهره‌گیری ایشان از عناوینی نظیر «فرهنگ نخبگانی»، «گفتمان

نخبگانی»، «گردش نخبگانی» و «شبکهٔ نخبگانی» تأییدی بر نقش جمعی نخبگان است. بنابراین، در این بخش سعی شده بر پایهٔ بیانات رهبر معظم انقلاب، وظایف اشتراکی جامعهٔ نخبگانی و ارتباط آن‌ها با شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بررسی شود. موردکاوی‌ها در این باره نشان می‌دهد معظم‌له ضمن مطرح‌ساختن مجموعه‌ای از کلیدی‌ترین عناصر که در فرایند تمدن‌سازی محوریت دارند، نخستین و کارآمدترین گروه در جامعه برای محقق‌ساختن این اهداف را نخبگان می‌دانند که بیش از دیگر گروه‌های اجتماعی، دارای مسئولیت و ایفای نقش هستند.

۱-۳. ارتقای معنویت

«معنویت» کلیدواژه‌ای پربسامد و از اساسی‌ترین آموزه‌های دینی است. آنچه موجب ارتباط میان این مقوله با تمدن نوین اسلامی می‌شود، ماهیت معنویت‌گرای فرهنگ اسلامی به‌عنوان پایهٔ تمدن اسلامی است که رهبر انقلاب با تعبیر «ابتنای تمدن بر معنویت» از آن یاد می‌کنند (همان، ۱۳۹۱/۵/۲۲)؛ همچنان‌که همین عنصر معنویت، اسلام را از یک جمع محدود، به تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد (همان، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). در واقع، یکی از مهم‌ترین تقابل‌های تمدنی میان تمدن اسلام با تمدن غرب، در همین مسئله نهفته است؛ زیرا تمدن اسلامی و به‌تبع آن تمدن نوین اسلامی علاوه بر وجوه مادی تمدن به وجوه معنوی نیز توجهی ویژه دارد (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳). این در حالی است که تمدن غربی نه‌تنها با ماهیتی مادی، تمدنی معنویت‌گریز است، بلکه معنویت‌ستیز (همان، ۱۳۸۳/۳/۱۴) و دشمن معنویت است (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳)؛ چنان‌که سابقه‌ای تاریخی نیز دارند و در جریان بازپس‌گیری اندلس، با گرفتن سلاح معنویت از مسلمانان و سوق‌دادن آن‌ها به کانون‌های شهوترانی، به هدف خود رسیدند و اکنون نیز چنین برنامه‌ای را دنبال می‌کنند (همان، ۱۳۷۱/۵/۲۱). آنان حتی پیشرفت علمی را توأم با معنویت بر نمی‌تابند. در مقابل، در منطق اسلام، معنویت با علم، با سیاست، با آزادی و دیگر عرصه‌ها نه‌تنها منافاتی ندارد، بلکه روح همهٔ این‌ها محسوب می‌شود (همان، ۱۳۸۹/۹/۱۰). درحقیقت، آنچه معنویت اسلامی با آن مشکل دارد نه دانش و فناوری و پژوهش، که با حیوانیت، فساد و

سوءاستفاده از علم است (همان، ۱۳۸۳/۴/۱). براین اساس، جامعه اسلامی این توانایی را دارد که تمدن نوینی را رقم بزند که سرشار از معنویت باشد و با هدایت معنویت پیش برود (همان، ۱۳۹۲/۹/۱۹)؛ زیرا معنویت موتور حرکت عظیم اسلامی است (همان، ۱۳۸۹/۶/۳۱). بنابراین، توجه به معنویت در کنار پیشرفت مادی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی یک شاخص بلکه یک ضرورت به‌شمار می‌رود. بر همین پایه، ارتقای معنویت یکی از اصولی‌ترین مباحث فرهنگی مرتبط با آینده تمدنی اسلام است. از این رو، رهبر معظم انقلاب معنویت را عنصر گمشده تمدن بشری می‌داند (همان، ۱۳۸۵/۷/۲۵) و توجه به این عنصر و ارتقای آن در سطح جامعه یکی از مطالبات جدی ایشان از جامعه نخبگانی است؛ چنان‌که در یکی از بیانات، تقویت بنیه معنوی را برای فضای نخبگانی و مدیریتی کشور امری لازم و حیاتی برشمردند (همان، ۱۳۹۷/۳/۲) و معنویت جامعه نخبگانی را عاملی برای معنویت همگانی دانستند و فرمودند:

در درجه اول نخبگان ملت‌ها، مسئولان امور کشورها و جوامع، مخاطب این سخن‌اند. اگر در قله‌های جوامع بشری - که نخبگان سیاسی و علمی و فرهنگی قرار دارند - اخلاق و معنویت و تزکیه وجود داشته باشد، این سرچشمه فیاض به دامنه‌ها خواهد رسید و مردم هم از اخلاق نیک برخوردار خواهند شد (همان، ۱۳۸۶/۵/۲۰).

۲-۳. شتاب بخشی به حرکت علمی

علم محوری‌ترین رکن تمدنی به‌شمار می‌رود و پایه‌های هر تمدنی مبتنی بر آن شکل می‌گیرد. سفارش اسلام به علم‌اندوزی و منزلتی را که برای آن قائل است می‌توان یکی از عوامل پیدایی و در مراحل بعد شکوفایی تمدن اسلامی دانست؛ زیرا این توصیه محرک اصلی مسلمانان برای کسب علم و دانش بوده است. در قرآن کریم و روایات - به‌عنوان منابع اصلی فرهنگ و تمدن اسلامی - بر فراگیری علم و دانش تأکید بسیار شده است، به‌گونه‌ای که فقط ۷۷۵ مرتبه در قرآن واژه «علم» و مشتقاتش به کار رفته است؛ همچنان‌که خدای متعال علم را نخستین موهبت و نعمت خویش بر انسان یاد می‌کند و ارزش آن را به انسان متذکر می‌شود: «...الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۴ و ۵). در روایات نیز

مصادیق بسیاری از علم و دانش قابل مشاهده است. برای نمونه، در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «به دنبال کسب علم و دانش بروید ولو اینکه در چین باشد (کنایه از دوری)؛ همانا کسب علم و دانش بر هر مسلمانی واجب است» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۷: ۲۷). آن حضرت در روایت دیگری، مسلمانان را از اوایل کودکی تا پایان عمر توصیه به فراگیری علم و دانش کرده است (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۱۸).

به اعتقاد رهبر معظم انقلاب نیز، چیزهایی که حیات طیبه - همان تمدن نوین اسلامی - را تأمین می‌کند پیشرانی در علم و تمدن جهانی است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۶/۲۵). به تعبیر ایشان، باید «علم‌گرایی و علم‌محوری» در همه بخش‌ها گفتمان مسلط جامعه بشود (همان، ۱۳۸۵/۵/۲۳). با توجه به اینکه ایران اسلامی داعیه ایجاد تمدن عظیم اسلامی را دارد (همان، ۱۳۷۷/۱/۲۷؛ ۱۳۹۴/۳/۱۴؛ ۱۳۹۸/۶/۲۷)، و نقش عنصر علم که در این میان بسیار حیاتی است، سرعت علمی می‌تواند محقق‌ساختن این هدف را تسریع کند. از این رو، رهبر معظم انقلاب بر نقش نخبگان در سرعت بخشی به حرکت علمی تأکید بسیار دارد. به گفته ایشان، «چند سالی است که حرکت علمی در کشور آغاز شده است. نخبگان نگذارند این حرکت کند شود یا خدای ناکرده متوقف شود؛ پیش بروید!» (همان، ۱۳۸۸/۶/۲۹). معظم‌له ظرفیت بالایی در این زمینه برای نخبگان ایرانی قائل هستند. به گفته ایشان، استعداد علمی کشور ما به لحاظ کمیت در میان کشورهای بااستعداد، از جایگاهی برجسته و درخشان برخوردار است (همان، ۱۳۷۸/۷/۱۹) و سرعت علمی بسیار بالای عنصر ایرانی به گونه‌ای است که سی سال آن با صد سال دیگران می‌تواند رقابت کند (همان، ۱۳۷۷/۲/۲۲).^۱

رهبر معظم انقلاب، در کنار سرعت علمی، از تحول علمی نیز یاد می‌کنند و معتقدند: «وظیفه نخبگان فکری و فرهنگی جامعه و حوزه و دانشگاه مدیریت این تحول علمی است» (همان، ۱۳۸۵/۸/۱۸). تقویت و تولید علم یکی دیگر از مطالبات رهبر انقلاب از نخبگان

۱. درون‌مایه برخی روایات نیز این مسئله را تأیید می‌کند؛ چنان‌که در روایت معروفی آمده: «اگر علم و دانش در ثریا هم باشد مردانی از ایران به آن دست خواهند یافت» (متقی هندی، کنز العمال، ح ۳۴۱۳).

است. به گفته ایشان، «نخبگان علمی در هر رشته‌ای که هستند، باید برای تقویت و تولید علم در داخل تلاش کنند» (همان، ۱۳۸۱/۷/۳). الزام نخبگان به عناصری نظیر سرعت علمی، تحول علمی، تقویت و تولید علم در کنار یکدیگر نشان می‌دهد که معظم‌له کمیت و کیفیت در عرصه دانش را توأمان در نظر دارند. از این رو، نباید به بهانه سرعت علمی، از تحول در علوم و ارتقای کیفی آن بازماند؛ همان‌طور که به بهانه تأمل‌های غیرضرور و طولانی در مباحث محتوایی، نباید در حرکت علمی دچار ایستایی شد. علاوه بر آنچه بیان شد، نخبگان در جهت گسترش فضای علمی و وظیفه دارند فرهنگ عمومی جامعه را به سوی علم‌گرایی سوق دهند؛ چنان‌که رهبر انقلاب می‌گویند: «مردم را وادار کنیم به کتاب‌خوانی؛ نخبگان را وادار کنیم به تولید کتاب؛ این‌ها یک چیزهایی است که لازم است» (همان، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴). از این رو، معظم‌له معتقدند که مسائل بسیاری در کشور وجود دارد که تنها با دانش نخبگانی و حرکت نخبگانی می‌توان برای آن‌ها راه‌حل پیدا کرد (همان، ۱۳۹۸/۷/۱۷).

۳-۳. استقلال فکری

فکر و اندیشه زیربنایی‌ترین اصل تمدنی است که بر پایه آن می‌توان مظاهر تمدنی خیره‌کننده‌ای پدید آورد؛ چنان‌که به تعبیر رهبر انقلاب، «تولید فکر یک عنصر اساسی در تحقق تمدن‌هاست و تمدن براساس یک فکر جدید شکل می‌گیرد» (همان، ۱۳۷۹/۷/۱۴). لذا اساس حکومت‌های ظالمانه از گذشته تاکنون بر این بوده که وسیله تشخیص حق از باطل را - که همان فکرکردن است - از مردم بگیرند (همان، ۱۳۶۰/۴/۵) و به نوعی فکر آنان را استعمار کنند. خطر این وابستگی به حدی است که به گفته رهبر انقلاب، موجب می‌شود یک ملت به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای دچار شود و فرآورده‌های فکری دست‌دوم و نسخ‌شده دیگران را به‌عنوان فکر نو بپذیرد (همان، ۱۳۷۹/۱۲/۹). از این رو، معظم‌له وابستگی را سم بزرگ و استقلال فکری را پادزهر آن دانسته‌اند (همان، ۱۳۸۴/۱/۳۰). در واقع، عدم استقلال فکری، انسان را از تولید فکر بازمی‌دارد و به تقلید سوق می‌دهد که مانعی جدی در مسیر تمدن‌سازی است. بر این اساس، رهبر انقلاب شرط رسیدن به تمدن نوین اسلامی را در درجه اول پرهیز از تقلید غربی برشمردند که در طول سال‌های متمادی گرفتار آن بوده‌ایم

(همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳)؛ چنان‌که امروزه نیز برخی افراد که احساس حقارت در مقابل غربی‌ها می‌کنند، می‌کوشند افکار اسلامی را طوری بیان کنند که با نظرات غربی تطبیق کند که بسیار ناشایست است (همان، ۱۳۸۶/۳/۱۴)؛ البته اینکه با استقلال فکری و همسو با معیار فرهنگ اسلامی و اندیشه‌های متکی به قرآن و سنت، فرهنگ غربی را پالایش کرده و عناصر مفید آن را جذب و عناصر زیان‌بار و مخربش را طرد کنند، هیچ اشکالی ندارد (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۷۹/۱۲/۱۲).

از میان بیانات رهبر انقلاب می‌توان دریافت که شرط رسیدن به استقلال فکری و تولید فکر، گسترش فضای فکری در جامعه می‌باشد که این مقوله نیز برعهده نخبگان است؛ چنان‌که در بیانی می‌گویند: «پیشرفت در عرصه فکری در درجه اول اهمیت است و جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی باید در جامعه به یک حقیقت نمایان تبدیل شود تا جامعه به سمت یک جامعه متفکر حرکت کند و این حرکت نیز باید از مجموعه نخبگان شروع و به آحاد مردم سرریز شود؛ زیرا یک فرهنگ و گفتمان ابتدا در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه پدید می‌آید» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

۳-۴. وحدت‌افزایی

همبستگی و اتحاد در جامعه اسلامی، ریشه قرآنی دارد. خدای متعال در قرآن کریم همه مسلمانان را به وحدت و عدم تفرقه امر کرده و می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). همگرایی دینی و وحدت میان مردمی که به اسلام ایمان دارند و سرنوشت مشترک همه ملت‌های مسلمان را به هم پیوند می‌دهد، مقدمه‌ای بر شکل‌گیری امت اسلامی و درنهایت تمدن نوین اسلامی است؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب، برای مقوله وحدت، مراتبی قائل است که بالاترین مرتبه آن رسیدن به تمدن نوین اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۸/۲۴). ایشان حج را به‌عنوان نمونه‌ای کوچک از نمودار جامعه اسلامی برتر می‌دانند که چاشنی آن عنصر وحدت و مظهر تمدن نوین اسلامی است (همان، ۱۳۹۸/۴/۱۲).

ازاین‌رو، در گام نخست وحدت ملی و سپس وحدت جوامع اسلامی یک ضرورت

تمدنی به‌شمار می‌رود. گرچه همهٔ فرق اسلامی در مسئلهٔ وحدت و اتحاد مسلمانان و وظیفه‌ای همگانی برعهده دارند (همان، ۱۳۷۶/۵/۱)، اما نقش نخبگان برجسته‌تر و حیاتی‌تر است. برهمین پایه، رهبر معظم انقلاب ضمن تبیین وحدت، به‌طور مؤکد یکی از وظایف نخبگان را ایجاد وحدت و صیانت از آن برشمرده و فرموده‌اند:

وحدت به‌معنای تکیه بر مشترکات است. ما مشترکات زیادی داریم؛ میان مسلمانان، مشترکات بیش از موارد اختلافی است؛ روی مشترکات باید تکیه کنند. تکلیف عمده هم در این مورد بر دوش نخبگان است؛ چه نخبگان سیاسی، چه نخبگان علمی و چه نخبگان دینی (همان، ۱۳۹۲/۱۰/۲۹).

مسئلهٔ وحدت را همه باید جدی بگیرند؛ در درجهٔ اول، نخبگان؛ نخبگان سیاسی، نخبگان دینی، نخبگان دانشگاهی، نخبگان حوزه‌های علمیه؛ در همه‌جا (همان، ۱۳۹۱/۱۱/۱۰).

۵-۳. دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی از مقوله‌های اساسی زیست بشری است که اشتباه در تشخیص آن تبعات جبران‌ناپذیری در پی دارد. قرآن کریم به‌دفعات به این مسئله واکنش نشان داده و به مسلمانان هشدار جدی نسبت به دشمنان پیرامونی‌شان می‌دهد: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (فاطر: ۶)؛ «لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره: ۲۰۸) و «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (نساء: ۱۰۱) نمونه‌هایی از اشارات قرآنی در این زمینه است؛ همچنان‌که در روایات متعددی به آن پرداخته شده است. برای نمونه، رسول خدا ﷺ در روایتی، دشمن‌شناسی را از نشانه‌های عاقل معرفی کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ق، ۷۴: ۱۷۹). در روایت دیگری نیز امیرمؤمنان ﷺ هشدار می‌دهد که کوچکی دشمن موجب غفلت از آن نشود (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۱۸). رهبر معظم انقلاب نیز بسیار بر کلیدواژه «دشمن‌شناسی» تأکید دارند و آن را از مسائل حیاتی و مهم می‌دانند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸). ایشان در وصف امام راحل ﷺ نیز دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی را دو خصوصیت برجستهٔ ایشان برشمرده‌اند (همان، ۱۳۶۸/۴/۲۳). معظم‌له این گفتهٔ دشمنان را که «دشمنی وجود ندارد!»

یک شگرد تبلیغاتی دانسته‌اند که باید به آن توجه داشت (همان، ۱۳۷۸/۳/۱۴). بنابراین، یکی از خطراتی که هر ملتی را تهدید می‌کند این است که دشمنش را نشناسد یا او را دشمن نداند یا دوست بداند و یا بی‌طرف بداند (همان، ۱۳۹۶/۷/۲۶). از این‌رو، شناخت دشمن و روش‌های دشمنی‌اش یکی از الزامات است (همان).

البته دشمن و نوع دشمنی سطوح گوناگونی دارد و به تناسب آن نوع مقابله و مواجهه تفاوت پیدا می‌کند. گاهی دشمنی در سطح فردی است و نزاع میان دو نفر پیش می‌آید، گاهی در سطح اجتماعی است و نزاع میان برخی اقوام پدید می‌آید و گاهی از همه این‌ها بالاتر است و نزاع در سطح یک تمدن رخ می‌دهد. دشمنی در سطح تمدنی بسیار گسترده است و عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و... را از خود متأثر می‌سازد (همان، ۱۳۸۱/۱۲/۶). با پیروزی انقلاب اسلامی بستر مهمی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی پدید آمد. این رویداد موجب شد تا تمدن غربی با احساس خطر از شکوفایی دوباره تمدن اسلامی و با هدف جلوگیری از احیا و بازیابی این تمدن - که دوره‌های باشکوهی را سپری کرده است - به رویارویی و دشمنی تمام‌عیار با انقلاب اسلامی به‌عنوان خاستگاه جدید تمدن اسلامی پردازد؛ زیرا پیشرفت آن را خطری بالقوه برای تمدن غربی می‌دانند؛ چنان‌که هانتینگتون، نظریه‌پرداز آمریکایی، ضمن ارائه نظریه برخورد تمدن‌ها، مهم‌ترین چالش تمدن غرب را در آینده‌ای نزدیک، شکل‌گیری تمدن اسلامی با محوریت ایران دانسته است.^۱ بر این اساس، اهمیت دشمن‌شناسی و نوع مقابله با او بسیار حائز اهمیت است. در این میان، جامعه نخبگانی رسالتی مضاعف برعهده دارند و این مسئله را می‌توان از سفارش‌های اکید رهبر معظم انقلاب فهمید. از نگاه ایشان نخبگان باید بدانند دشمن کجاست و هدف او چیست و راه مقابله با آن کدام است (همان، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)؛ همچنان که افشای چهره واقعی دشمن استکباری و نظام سلطه وظیفه‌ای بر دوش نخبگان سیاسی، فرهنگی و دینی در سراسر جهان اسلام است (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۹۲/۷/۱۹). جایگاه نخبگان و توان افشاگری آن‌ها در برابر جبهه دشمن، موجب شده تا

۱. برای مطالعه در این زمینه، ر.ک. هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن‌ها.

دستگاه استکبار هزینه‌های زیادی برای خریدن نخبگان کند و سوگمندان به برخی نیز به‌رغم اینکه به لحاظ علمی و سیاسی نخبه بودند، اما خیلی راحت خودشان، فکرشان و وجودشان را به پول فروختند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹)^۱ و بر ضد اسلام و امت اسلامی کار می‌کنند (همان، ۱۳۹۶/۹/۱۵)؛ همان‌طور که پیش‌تر، مسئولیت‌ناپذیری بسیاری از نخبگان فرهنگی ما به دشمنان کمک کرد تا هویت، استقلال و ثروت‌های ما را به نابودی بکشانند (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹). این دسته از نخبگان که فرصت بزرگ بیداری اسلامی را از دست می‌دهند، باید از تهدید الهی بیمناک باشند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۲/۹)^۲. اساساً تطمیع، تهدید، وعده، جنگ فرهنگی و روانی از کارآمدترین روش‌هایی است که دشمنان برای به‌دام‌انداختن نخبگان از آن بهره می‌برند (همان، ۱۳۷۹/۱۲/۱۲؛ ۱۳۸۱/۹/۱؛ ۱۳۹۰/۶/۲۶). از این‌رو، خط اغفال خواص و نخبگان یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است (همان، ۱۳۸۸/۷/۲). از نگاه رهبر معظم انقلاب، یکی از عواملی که موجب مرعوب‌شدن از هیمنه ظاهری مستکبران می‌شود، ترس است که نخبگان شجاع وظیفه دارند این ترس را از دل‌ها بیرون کنند (همان، ۱۳۹۰/۶/۲۶)؛ همان‌گونه که تکلیف دارند ناامیدی را - که یکی از سیاست‌های اجرایی مستکبران در میان ملت‌هاست - با تقویت روحیه امید، خنثی کنند (همان، ۱۳۸۳/۴/۱۹).

۳-۶. بصیرت‌افزایی

«بصیرت» واژه‌ای نام‌آشناست که در ادبیات دینی بسیار قابل رصد است؛ چنان‌که این واژه و مشتقاتش بیش از چهل بار در قرآن کریم به‌کار رفته است. «تبصره»، «مبصره»، «ابصار»، «یبصرون» نمونه‌هایی از این موارد است. گرچه «بصیر» ظهور در بینایی ظاهری دارد، در اصطلاح بیانگر فهم، بینش و روشنایی قلبی است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۹۱). به گفته رهبر معظم انقلاب، بصیرت برپایه شناخت شکل گرفته است و شامل شناخت زمان، شناخت نیازها، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست و... می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای،

۱. رهبر معظم انقلاب از این طیف نخبگانی با اصطلاح «نخبگان مالی و پولی» یاد می‌کنند (بیانات، ۱۳۸۶/۴/۹).
 ۲. رهبر معظم انقلاب به این آیه استدلال کرده‌اند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَ يَسْتَأْذِنُوا الْقَرَارَ» (ابراهیم: ۲۸).

بیانات، ۱۳۹۳/۹/۶). ایشان معتقدند بصیرت مانند «نورافکن»، «قطب‌نما» و «قبله‌نما» عمل می‌کند (همان، ۱۳۸۹/۸/۴) و بزرگ‌ترین آسیب‌های جامعه اسلامی و بلاهایی که بر ملت‌ها وارد می‌شود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است (همان، ۱۳۸۸/۵/۱۸). براین اساس، می‌توان گفت: بصیرت نقشی هدایتی در نرم‌افزار تمدن ایفا می‌کند و سطوح گوناگون تمدنی را از خود متأثر می‌سازد. ازاین‌رو، رهبر معظم انقلاب گاهی مباحثی پیرامون «بصیرت فرهنگی» ایراد کرده‌اند (همان، ۱۳۹۵/۵/۳۱) و گاهی از «بصیرت سیاسی» یاد کرده‌اند (همان، ۱۳۹۵/۳/۲۹) و در مواردی از «بصیرت انقلابی» و «بصیرت دینی» سخن به میان آورده‌اند (همان، ۱۳۹۴/۱/۳۰).

بنابراین، بصیرت همچون چراغ راهی است که جامعه اسلامی با وجود آن، چالش‌های گوناگون را پشت‌سر می‌نهد و بستر ظهور و بروز تمدنی را فراهم می‌سازد؛ در مقابل، بی‌بصیرتی موجب ازهم‌پاشیدگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شده و جامعه را از رسیدن به هدف اصلی - یعنی تمدن نوین اسلامی - بازمی‌دارد؛ زیرا بصیرت زمینه‌تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های درست را در برخورد با مسائل مهم و سرنوشت‌ساز پدید می‌آورد و در نتیجه حرکت تمدنی شتاب بیشتری می‌گیرد و در صورت فقدان حرکت بصیرتی و آگاهانه، فرصت‌های تمدنی از دست خواهد رفت. به‌علاوه اینکه، فرج و مقدمات ظهور منجی - که خود آغازی بر تمدن بزرگ اسلامی است - مستلزم اصلاح فردی، اجتماعی و جهانی است که همه این‌ها متوقف بر داشتن بصیرت است (همان، ۱۳۹۶/۲/۲۰).

براین اساس، رهبر معظم انقلاب بسیار بر مقوله بصیرت و بصیرت‌افزایی تأکید دارند و نقشی اساسی در این خصوص برای نخبگان قائل هستند. ایشان در یکی از بیانات می‌گویند: «آنچه انسان از نخبگان جامعه و جریان‌های سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت» (همان، ۱۳۸۸/۷/۲)؛ چنان‌که در بیانی دیگر می‌فرمایند: «امروز مردم در این کشورها احتیاج دارند به هدایت این نخبگان؛ چه نخبگان سیاسی، چه نخبگان علمی، چه دانشگاهی و چه دینی. وظیفه سنگینی برعهده این‌هاست» (همان، ۱۳۸۹/۱۲/۲) و در نمونه دیگری مطرح می‌کنند: «یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است... نقش نخبگان و خواص هم

این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند» (همان، ۱۳۸۸/۵/۱۸).

معظم‌له در جهت تبیین ملاک صحیح در بصیرت نخبگانی از یک تقسیم‌ثنایی استفاده کرده‌اند. به گفته ایشان، بصیرت معیار تشخیص میان عوام و خواص است و در میان خواص نیز معیار میان خواص طرف‌دار حق و خواص طرف‌دار باطل است و در میان خواص طرف‌دار حق نیز معیار میان خواص طرف‌دار حق وابسته به متاع دنیا و خواص طرف‌دار حق غیروابسته به متاع دنیا است. در میان گروه‌های یادشده فقط دسته اخیر هستند که بصیرتشان جامعه اسلامی را تا ابد بیمه می‌کند (همان، ۱۳۷۵/۳/۲۰). ایشان با اظهار تأسف از برخی بی‌بصیرتی‌های نخبگانی می‌گویند: «آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند؛ نمی‌فهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند» (همان، ۱۳۸۸/۵/۱۸).

۳-۷. الگوسازی اسلامی-ایرانی

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، الگو وسیله و معیاری است که کارهای انسان با آن تطبیق داده می‌شود (همان، ۱۳۸۱/۶/۳۰). ایشان اهمیت هر پدیده‌ای را به آن می‌داند که چقدر توانسته الگوسازی کند و سرمشق قرار بگیرد (همان، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵). به گفته معظم‌له، تمدن غرب با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون نظیر هنر، سینما، شعر و کتاب سعی دارد با الگوسازی‌های کاذب مبانی و معیارهای تمدنی خود را در میان ملت‌ها حاکم کند (همان، ۱۳۸۳/۵/۱۷). ایشان معتقدند به‌خلاف بسیاری از ملت‌ها که در برابر الگوسازی غربی‌ها، الگویی قابل ارائه ندارند، ما دارای الگوهای برجسته‌ای هستیم که می‌تواند مدل جدیدی در اختیار ملت‌ها قرار بدهد (همان). رهبر انقلاب، الگوی اسلامی-ایرانی را کاربردی‌ترین مدل الگویی در جهان اسلام می‌دانند و در تبیین آن می‌گویند:

ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی-ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی به‌خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوییم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به‌دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است

که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامی-ایرانی است. البته کشورهای دیگر هم از آن، بدون تردید استفاده خواهند کرد؛ همچنانی که تا امروز هم ملت ما و کشور ما برای بسیاری از کشورها در بسیاری از چیزها الگو قرار گرفته، اینجا هم یقیناً این الگو مورد تقلید و متابعت بسیاری از ملت‌ها واقع خواهد شد (همان، ۱۳۸۶/۲/۲۵).

«سبک زندگی معصومان (علیهم‌السلام)» (همان، ۱۳۸۳/۵/۱۷)، «سبک زندگی شهدا» (همان، ۱۳۹۵/۷/۵)، «گفتمان انقلاب اسلامی» (همان، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹)، «مدل نظام جمهوری اسلامی» (همان، ۱۳۸۷/۳/۱۴)، «مدل پیشرفت علمی» (همان، ۱۳۹۱/۵/۳)، «سبک اسلامی تعامل زوجین» (همان، ۱۳۷۰/۸/۲۲) و «فرهنگ ایرانی» (همان، ۱۳۹۲/۳/۱۴)، نمونه‌هایی برجسته هستند که به اذعان رهبر انقلاب، باید در روند الگوسازی قرار بگیرند. از دیدگاه ایشان، این رسالت بزرگ به‌عهده نخبگان است؛ چنان‌که در یکی از بیانات خویش فرموده‌اند:

مدل‌سازی و الگوسازی کار خود شماست؛ یعنی کار نخبگان ماست. در تحقیقات دانشگاهی باید دنبالش بروند، بحث کنند و در نهایت مدل پیشرفت را برای ایران اسلامی برای این جغرافیا، برای این تاریخ، برای این ملت با این امکانات با این آرمان‌ها ترسیم و تعیین کنند و براساس او حرکت عمومی کشور به‌سوی پیشرفت در بخش‌های مختلف شکل بگیرد (همان، ۱۳۸۶/۲/۲۵).

۸-۳. ایجاد گفتمان آزاداندیشی

آزادی یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است و آزاداندیشی یکی از شعب آن است که بدون آن رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد (همان، ۱۳۸۵/۳/۲۹). آزاداندیشی به‌معنای آزادانه فکرکردن، آزادانه تصمیم‌گرفتن، و ترجمه‌ای و تقلیدی پیروی‌نکردن از فرهنگ غربی است (همان، ۱۳۸۲/۸/۱۵). بنابراین، آزاداندیشی غیر از ولنگاری و اجازه‌دادن به دشمن است که از دالان آزاداندیشی بخواهد به کشور ضربه بزند (همان، ۱۳۹۵/۶/۳).

به هر روی، آزاداندیشی و مناظره بستری برای بیداری و ارتقای عقل جمعی است که می‌تواند به تولید علم و اندیشه دینی بینجامد و بدون آن تمدن‌سازی ناممکن یا بسیار دشوار خواهد بود (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶)؛ زیرا طرح اندیشه‌های گوناگون موجب پدیداری پاسخ‌های جدید می‌شود که در پی آن حرکت تمدنی اتفاق می‌افتد؛ چنان‌که به گفته توینبی،^۱ هرگاه سؤالات و شبهات بر یک تمدن عرضه شود دو حالت پیش می‌آید: یا اینکه نخبگان درون آن تمدن، قدرت پاسخ‌گویی به آن را دارند که در این صورت تمدن، حیات خویش را حفظ می‌کند، یا اینکه قدرت پاسخ‌گویی به سؤالات جدید را ندارند که در این صورت زمینه افول آن تمدن پدید می‌آید (کافی، ۱۳۹۳: ۲۴۶-۲۵۰). از این رو، ایجاد فضایی که در آن بتوان به طرح سؤالات یا شبهات پرداخت و پاسخی مناسب برای آن‌ها یافت، یک ضرورت تمدنی است. پیشینه تاریخی نشان می‌دهد که تمدن اسلامی همواره در مصاف با معضلات جدید و نیز چالش با مکاتب و تمدن‌های دیگر، شکفته است (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

رهبر معظم انقلاب با بیان این مطلب که نباید از «آزادی» و «مناظره» ترسید و فرار کرد و «نقد و انتقاد» را به کالای قاچاق یا امری تشریفاتی تبدیل کرد، تأکید دارند که نباید به جای مناظره، گرفتار جدال و هتاک‌ی شد؛ زیرا آنچه موجب خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در جامعه می‌شود، آزادی در کنار اخلاق، منطق و حفظ حقوق دیگران است (همان). بر این اساس، اگر آزادی تفکر، قلم و بیان توأم با رعایت ادب استفاده از آزادی - که یکی از مطالبات اسلامی است - در نخبگان پدید آید، فرهنگ اجتماعی ارتقا یافته و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، پدیده‌ای به نام «زادوولد فرهنگی» به وجود می‌آید که محصول «تضارب آرا و عقول» است (همان). در مقابل، اگر نخبگان نتوانند چنین فضایی را ایجاد کنند، فکر تازه‌ای تولید نمی‌شود و نخبگان و صاحبان خرد به حاشیه رفته و صاحبان قدرت و ثروت به جای آن‌ها جریان‌ساز خواهند شد و آنان نیز با پایین آوردن سطح تفکر اجتماعی، درگیری‌های منحط قبیله‌ای و فرهنگ فاسد بیگانه را رواج خواهند داد (همان). بنابراین، می‌توان آزادی

1. Toynbee.

بیان را در چهارچوب قانون و اسلام ذیل سه محور «کرسی های نظریه پردازی»، «کرسی های پاسخ به سؤالات و شبهات» و «کرسی های نقد و مناظره»، دنبال کرد تا فضا برای نخبگان هموارتر و برای فریبکاران راه علم و دین تنگ تر شود (همان). به همین جهت، در بیانات رهبر معظم انقلاب بر ضرورت تشکیل کرسی های آزاداندیشی تأکید شده است. ایشان حوزه های علمیه را مهد آزاداندیشی علمی دانسته و تعامل بی نظیر میان استاد و شاگرد را نمونه ای برجسته در این زمینه معرفی کرده اند که بستری برای کرسی های آزاداندیشی پدید آورده است (آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۳۸۲/۱۲/۱۸). معظم له معتقدند باید کرسی های آزاداندیشی در دانشگاه ها نیز تشکیل بشود (همان، ۱۳۸۸/۶/۸).

با این همه، لازم است به منظور جلوگیری از آسیب هایی نظیر ساختارشکنی و شالوده شکنی، فضای آزاداندیشی را مدیریت کرد؛ چنان که به گفته معظم له نه باید تحولات را سرکوب کرد و نه باید تسلیم هر تحولی شد؛ بلکه باید با مدیریت تحول، به پیشرفت دست یافت (همان، ۱۳۸۵/۸/۱۸). بر این پایه، ایشان معتقدند که آزاداندیشی باید در جلسات تخصصی صورت بگیرد (همان، ۱۳۸۹/۶/۱).

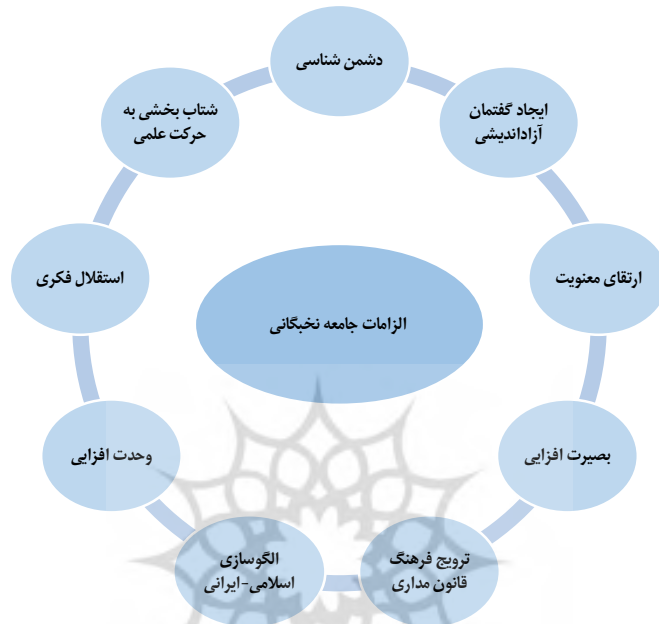
۳-۹. ترویج فرهنگ قانون مداری

قانون یکی از الزامات حیات اجتماعی بشری و جزو لوازم زندگی انسانی است. جامعه بی قانون موجب نابودی، زوال و انحطاط انسان خواهد شد (همان، ۱۳۶۳/۸/۱۸). بنابراین، پی ریزی قوانین و عمل به آن اصلی انکارناپذیر است. از این رو، قانون گذار (قوة مقننه)، مجری قانون (قوة مجریه) و نگهبان قانون (قوة قضائیه) سه نهاد مهمی است که حول محور قانون شکل گرفته و در همه جوامع بشری امری پذیرفته شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۴۰: ۳۵۴). از سوی دیگر، یکی از ارکان مهم تمدنی، قانون است و تصور یک تمدن بی قانون، ممکن نیست. از نگاه رهبر معظم انقلاب، قانون درست و اجرای درست قانون، زمینه را برای تمدن اسلامی پدید می آورد (آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۷/۳/۷). هر چند در تمدن های غیردینی، قانون بر پایه رأی و نظر افراد تصویب می شود، اما در تمدن دینی و به طور مشخص در تمدن اسلامی، یگانه مرجع قانونی که حق قانون گذاری دارد، خدای

متعال است و قانونگذاران بشری باید قوانین را همسو با دستورهای الهی پایه‌ریزی کنند؛ زیرا به‌خلاف قوانین غیردینی که دچار خطای انسانی یا در موارد بسیاری گرفتار امیال بشری می‌شود، قوانین الهی به همه ابعاد بشری احاطه داشته و از خطا و انحراف پیراسته است. براین اساس، اندکی پس از انقلاب اسلامی روند قانونگذاری با این مبنا در ایران اسلامی آغاز شد و قانونی موسوم به قانون اساسی تحقق یافت که بندهای آن برپایه اسلام شکل گرفته است (همان، ۱۳۷۹/۲/۱) و هرچه قانون از آن استخراج شود نیز اسلامی خواهد بود (همان، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). به‌تعبیر رهبر معظم انقلاب، قانون اساسی شکل اجرایی هدفی است که ولایت الهی برای ما ترسیم می‌کند (همان، ۱۳۸۷/۳/۲). براین اساس، معظم‌له معتقدند: «قانون جمهوری اسلامی، جزو حدودالله است که باید به‌بهترین‌وجه رعایت بشود» (همان، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰). ظرفیت‌های بالای موجود در قانون اساسی، موجب شده تا قانون اساسی ما جزو مترقی‌ترین قوانین اساسی دنیا قرار بگیرد (همان، ۱۳۷۱/۸/۳). همین مسئله تحسین برخی اندیشمندان را به دنبال داشته، تاجایی که به‌گفته یکی از متفکران غربی، قانون اساسی جمهوری اسلامی یک حکومت مردمی، پیشرفته و درعین‌حال دینی را در چشم مسلمانان جهان ممکن می‌سازد (همان، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵). ازاین‌رو، چنان‌که قانون در جامعه به‌صورت یک شاخص، محور و فصل‌الخطاب درآید، فرهنگی به نام فرهنگ قانون‌مداری حاکم می‌شود (همان، ۱۳۸۸/۴/۳) که در نتیجه آن بسیاری از آسیب‌ها از بین خواهد رفت (همان، ۱۳۹۲/۶/۶). از نگاه رهبر معظم انقلاب، پی‌ریزی چنین فرهنگی رسالت نخبگان است. جملات زیر وظیفه نخبگانی دراین‌زمینه را به‌خوبی به‌تصویر می‌کشد:

همه بایستی به قانون احترام بگذارند. و من به شما عرض بکنم این مورد هم مثل موارد دیگر از چیزهایی است که فرهنگ آن بایستی از نخبگان سرریز بشود به‌بدنه جامعه. اگر شما که جزو نخبگان هستید، قانون را رعایت نکردید، انتظار نداشته باشید که بدنه جامعه قانون را رعایت کند. (نمی‌شود) ادعای نخبگی بکنیم، اما در همان مورد کار خودمان به قانون بی‌اعتنایی کنیم (همان، ۱۳۸۸/۴/۳).

اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خون‌ها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها، آن‌هایند (همان، ۱۳۸۸/۳/۲۹).



نمودار ۳: الزامات جامعه نخبگانی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

پایش بیانات رهبر معظم انقلاب نشان داد که از دیدگاه ایشان، فعالیت جامعه نخبگانی سرمنشأ بسیاری از تحولات اجتماعی است و نوع کنشگری نخبگان ارتباطی مستقیم با حرکت تمدنی دارد. از این رو، نخبگان با موقعیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری می‌توانند در تحقق تمدن نوین اسلامی نقشی اساسی ایفا کنند؛ همان‌گونه که بی‌تفاوتی آنان نسبت به وظایف موردنظر، این فرایند را با کُندی مواجه می‌سازد. ماهیت عناصری که ذیل «الزامات جامعه نخبگانی» مورد بررسی قرار گرفت بیشتر با حوزه فکری سنخیت دارد که نقش زیربنایی و بنیادین مقولات فکری را نشان می‌دهد. همچنین، بررسی‌ها نشان داد که در میان

بیانات رهبر معظم انقلاب، نخبگان سیاسی بیش از گونه‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته است که به نوعی رویکرد سیاسی ایشان را بازتاب می‌دهد.

کتابنامه

قرآن کریم

- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی (مترجم: حسن چاوشیان)، تهران، نی.
بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران، دنیای دانش.
پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). تفسیر تسنیم. قم، اسراء.
حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه. قم، آل‌البتیت.
روشه، گی (۱۳۷۳)، تغییرات اجتماعی. (مترجم: وثوقی، منصور). تهران، نی.
زبیدی، سیدمرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت، دارالفکر.
زمانی محجوب، حبیب (۱۳۹۵). بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۴ (۹)، ۱۳۵-۱۵۲.
سفیری، خدیجه (۱۳۷۸). شیوه تحقیق کیفی. تهران، پیام پویا.
عرفان‌منش، ایمان (۱۴۰۰). نخبگان در اندیشه راهبردی رهبر انقلاب اسلامی: چشم‌اندازی با تأکید بر نخبگان علوم انسانی تمدن‌ساز، راهبرد اجتماعی-فرهنگی. ۱۰ (۴۰)، ۴۸۶-۴۵۶.
کافی، مجید (۱۳۹۳). فلسفه نظری تاریخ (مفاهیم و نظریه‌ها). قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
لیثی واسطی، علی‌بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم، دارالحدیث.
متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ق). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. بیروت، دارالکتب العلمیه.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت، دار احیاء التراث العربی.